دیگری در رمان «تنگسیر» با تکیه بر آرای باختین

محدثه ربانی‌نیا

دانشجوی دکتری فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان

چکیده

شنیده شدن صدای **دیگری** در متن ادبی از دغدغه‌های اساسی باختین است. باختین ظرفیت شگرف ادبیات برای بیان تفاوت‌ها و در هم شکستن تک‌گویی‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. این مقاله درصدد است تا با تکیه بر آرای باختین که در ابتدای مقاله تقریر خواهد شد، رمان *تنگسیر* اثر صادق چوبک را بررسی کند. شخصیت اصلی این رمان، تنگسیری جنوبی به نام زائرمحمد است که درصدد انتقام‌جویی از کسانی است که در نظرش حق او را پایمال کرده‌اند. ماجرای رمان در بوشهر بعد از جنگ جهانی اول و دوران احمدشاه قاجار رخ می‌دهد که جنوب ایران در تصرف انگلیسی‌هاست. به دلیل فضای سیاسی و اجتماعی آن دوران، می‌توان **دیگری** را در این داستان به انحاء مختلف صورت‌بندی کرد. ایرانی در مواجهه با انگلیسی، مسلمان در مواجهه با غیرمسلمان، مواجهه مردم با حکومت و حتی مواجهه جنوبی تنگسیر با جنوبی غیرتنگسیر. هرچند که در این رمان مواجهه با دیگری نقش پررنگی دارد اما **پرسش اصلی مقاله این است که رمان *تنگسیر* رمانی تک‌صدا است یا چندصدا؟** باختین در مجموع رمان را ژانر گفت‌وگویی و چندصدا می‌داند. اما حتی در این ژانر هم آثار ادبی به میزان متفاوتی ویژگی کارناوالی یا چندصدایی را تحقق می‌بخشد. ایدئال باختین از دیگری زمانی تحقق می‌یابد که در رمان صدای دیگری هم شنیده شود و تنها دیدگاه مؤلف غالب نباشد. در رمان *تنگسیر* بسته به صورت‌بندی‌های مختلف دیگری پاسخ متفاوتی به این پرسش داده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: دیگری، باختین، *تنگسیر*، چندصدایی، تک‌صدایی.

۱. مقدمه

میخائیل باختین (متولد ۱۸۹۵م) فیلسوف روس و از بزرگترین نظریه‌پردازان ادبیات قرن بیستم بود. تئوری‌پردازی‌های باختین واکنشی بود به فضای سخت روزگاری که در آن می‌زیست، یعنی دوران حکومت خودکامه و تمامیت‌خواه رهبران حزب کمونیست شوروی. باختین در فضای اختناق‌آمیز استالینی که گفتمانِ تک‌صدایی را تحکیم و تحمیل می‌کرد آثارش را به تمامی در راستای به رسمیت شناختن «دیگری» در عرصه‌های مختلف به نگارش درآورد (Clark, Holquist, 1984: 97-98). او برخلاف عقیده دکارت که می‌گفت: «من فکر می‌کنم، پس هستم»، معتقد بود برای زندگی و وجود حداقل دو صدا لازم است و موجودیت انسان و جهان آدمی، تنها در این ارتباط ژرف معنا می‌یابد.

هرچند پیش از باختین کسانی چون هوسرل، هیدگر، سارتر در حوزه فلسفه به مفهوم «دیگری» پرداختند ولی باختین این مفهوم را در ادبیات مورد تأمل جدی قرار داد. زیرا از نظر او ادبیات همواره از ظرفیت شگرفی برای بیان تفاوت‌ها و در هم شکستن تک‌گویی‌ها داشت. برخلاف ایدئولوژی که دیگری را طرد می‌کند، گفت‌وگوهای درون‌متن ادبی در اصل بازتاب‌دهنده اصل پذیرش دیگری است (Vice, 1997: 152-153). در نظر باختین در دیالوگ و خصوصاً متن‌های چندصدا، سلسله مراتب خوب ـ بد، مرد ـ زن، بالا ـ پایین و... فرومی‌ریزد و نویسنده فرصت می‌یابد با مراتب ارزشی و مسلم‌گویی‌های کلان وارد بازی شود و مخاطب را نیز با خود به زیر پوست فرهنگ و تاریخ ببرد تا در آنجا تفاوت‌ها را بسازد و امکان‌های جدیدی ارائه دهد.

باختین در مقالات و کتاب‌هایی چون «حماسه و رمان» و «پرسش‌های بوطیقای داستایوفسکی» نشان می‌دهد نحوه مواجهه با دیگری در آثار ادبی متفاوت است چنان‌که در «حماسه» حضور دیگری نه‌تنها در آن احساس نمی‌شود، بلکه همواره سخن از غیاب دیگری است؛ زبان چنین ژانری نیز طبیعتاً یک‌سویه خواهد بود که باید آن را رجزخوانی دانست. اما ژانر مورد علاقه باختین «رمان» است زیرا به دلیل قابلیت بالای گفت‌وگومندی نیازمند افرادی سخنگوست که گفتمان منحصربه‌فرد و زبان خاص خود را همراه خود وارد رمان کند. به همین جهت باختین داستایوفسکی را بر تولستوی ترجیح می‌دهد، زیرا داستان‌های داستایوفسکی ساختاری چندآوا دارد، به این معنی که صدای دیگری را نیز درون خود شامل می‌شود. اما صداهای گوناگونی که در آثار تولستوی می‌شنویم کاملاً تابع مقاصد کنترل‌کننده مؤلف است

(Morson& Emerson, 1989: 149-150). یعنی فقط یک حقیقت وجود دارد و آن حقیقت از دیدگاه مؤلف است. باختین در پی اعلام مرگ مؤلف نیست، بلکه تمام همت او مصروف این دقیقه می‌شود که آوای مقتدر مؤلف، موجب کنار راندن و به محاق کشاندن آواهای دیگر نشود.

تنگسیر اثر صادق چوبک که مربوط به اواخر دوره قاجار و پس از آن است، هرچند در قالب **رمان** است اما به‌واسطه پرداختن به شخصیت قهرمان آن یعنی زائرمحمد، حسی **حماسی** نیز در آن موج می‌زند. با توجه به این مسئله این مقاله در پی آن است که نویسنده در پرداختن به صدای دیگری در این اثر چه‌قدر موفق بوده و آیا در شکستن گفتمان غالب فرهنگی تأثیرگذار بوده است یا خیر.

۲. *تنگسیر*

تنگسیر روایتی ظاهراً مبتنی بر حقیقت از زندگی فردی به نام زائرمحمد در منطقه تنگستان جنوب ایران است. وقایع این داستان مربوط به دوره‌ای است که جنوب ایران در جنگ جهانی اول پس از قرارداد میان روسیه و بریتانیا تحت اشغال بریتانیا قرار گرفته است. در این رمان به واقعه قیام تنگستان اشاره می‌شود که مربوط به زمانی است که نیروهای اشغالگر به قصد تصرف دلوار، به شهر بوشهر حمله می‌کنند و مردان تنگستان با فرماندهی رئیس‌علی دلواری در مقابل آنان ایستادگی می‌کنند. قهرمان این رمان، زائرمحمد، شخصی است که در برابر نیروهای بریتانیا جنگیده اما پس از تصرف جنوب، برای انگلیسی‌ها کارگری کرده است. از آنجا که دسترنج حاصل از کار برای انگلیسی‌ها بوده برای آنکه آن را حلال کند پول را به حاکم شرع می‌دهد. اما حاکم شرع با همکاری دو شخصیت دیگر حاضر در داستان او را فریب می‌دهند و سرمایه‌اش را از دست وی خارج می‌کنند. محمد پس از پیگیری مکرر برای بازپس‌گیری مال‌اش به تمسخر گرفته می‌شود. از آنجا که هیچ امیدی به نهادی حکومتی برای بازپس‌گیری حق خود ندارد، تصمیم می‌گیرد از این افراد که به باقی مردم نیز ظلم می‌کنند انتقام بگیرد و خود تبدیل به قهرمانی می‌شود که عدالت را حتی به قیمت جان تحقق ببخشد. بنابراین آنها را به قتل می‌رساند و سپس به همراه خانواده‌اش از چنگ مأموران می‌گریزد.

۳. دیگری نزد باختین

باختین رویکردی فلسفی به موجودیت انسان داشته و هستی انسان را نتیجه مکالمه و گفت‌وگو می‌داند. او مانند بسیاری از متفکران بزرگ دیگر مانند هگل، سارتر، مرلوپونتی و... معتقد است آن چیزی که ما تحت عنوان «خود» می‌شناسیم، قائم به «غیر» است.[۱] هیچ من نابی (خود، self، ego) چنان‌که دکارت از آن سخن می‌گفت وجود ندارد بلکه من در «نسبت» با دیگری معنا می‌یابم و هیچ‌چیز و هیچ‌کس نمی‌تواند در حالت انفراد به معنا دست بیابد(linell, 2008:25). بنابراین انسان‌شناسی باختین در میان‌بودگی است. او سه مفهوم را از هم تمیز می‌دهد:

من برای خویشتن:[۲] یعنی خودم چنان‌که در محضر خودم وجود دارم.

دیگری برای من:[۳] ساحتی است که دیگری در نظر من دارد.

من برای دیگری:[۴] ساحتی است که من برای دیگران هستم و آنها نسبت به من دید دارند.

باختین معتقد است وجود یعنی مکالمه و مکالمه فقط زبانی نیست. انسان از لحظه‌ای که متولد می‌شود با جهان وارد دیالوگ می‌شود. همین که از شی‌ای داغ احساس سوزش می‌کند و از آن دور می‌شود در نوعی مکالمه درگیر شده است. هر موقعیتی، هر عینی انسان را به عمل و تعامل و به زبان باختین به گفت‌وگو با خود فرامی‌خواند و ما تا آنجایی زنده هستیم که به این فراخوان جهان پاسخ می‌دهیم (Romdenh-Romlue, 2011:93). او از رابطه من ـ دیگری سخن می‌گوید و می‌گوید «ما هرگز نمی‌توانیم خود را به صورت یک کل ببینیم. وجود غیر برای آنکه ما حتی به‌طور موقت به مفهومی از خویشتن دست یابیم، ضروری است» (تودوروف، ۱۳۷۷: ۱۸۰). زیرا از آنجا که من، همواره در یک موقعیت ناگزیر زمانی و مکانی هستم افق نگاه من محدود است. به عبارت دیگر از نظر باختین خود این تعین من موجب محدودیت می‌شود. در نتیجه نگاه خودم برای کشف خویشتن و جهان کفایت نمی‌کند. باختین در مواجهه با دیگری از

---

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد خود و دیگری بنگرید به:

Renfrew, A. (2014). *Mikhail Bakhtin*. 1st ed. Routledge. pp. 24-41.

2. I for myself

3. other for me

4. I for the other

مفهوم «برون‌مکانی»[1]استفاده می‌کند، به این معنا که در رابطه با دیگری ما از ساحت درون به بیرون می‌رویم. رابطه انسانی وابسته به مازاد نگاه است که در ارتباط با دیگری ایجاد می‌شود. از همین رو «منطق مکالمه گوهر اصلی اندیشه باختین در زمینهٔ انسان‌شناسی فلسفی است» (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). از نظر باختین، گفت‌وگو بنیاد سخن است و سخن در گفت‌وگو است که معنادار می‌شود.

٤. دیگری در ادبیات

باختین همین رویکرد را وارد نگرش خود در ادبیات می‌کند. او بحث می‌کند که چه انواع و اقسام دیالوگی می‌تواند در متن ادبی وجود داشته باشد؟ در یک سطح مکالمه با «دیگری» در جهان متن در **نسبت میان شخصیت‌های داستانی** نمود می‌یابد و در سطحی دیگر دیالوگ، دیالوگ مخاطب با اثر است ولی باختین به این دیالوگ نیز بسنده نمی‌کند، بلکه دیالوگ «مؤلف با کاراکترهای اثر ادبی» را نیز یکی از مهمترین دیالوگ‌ها می‌داند. او روایت نویسنده را به روش‌های مختلف طبقه‌بندی کرده است:

۱. مونولوگ یا تک‌صدایی: منظور باختین از تک‌صدایی در رمان حالتی است که راوی حرف آخر را می‌زند و تصمیم نهایی را می‌گیرد و صدا یا آوای او بر فراز همه صداها و آواها قرار می‌گیرد. به نظر باختین «مونولوگ خصلت استبدادی دارد. مونولوگ اجازه بروز به دیگری را نمی‌دهد و بنابراین، سرکوب‌گر است» (انصاری، ۱۳۳:۱۳۸۴). او در مقابل مونولوگ که منشی سرکوب‌گرانه دارد، دیالوگ را قرار می‌دهد.

۲. دیالوگ یا دو آوایی: باختین چندصدایی بودن را در میان ژانرهای ادبی تنها از آن رمان می‌دانست. زیرا:

> در بیشتر گونه‌های شاعرانه، مکالمه‌گرایی درونی گفتمان مورد بهره‌برداری هنری قرار نگرفته، به موضوع زیبایی‌شناسی اثر راه نیافته و در گفتمان شاعرانه به‌طور تصنعی محو گشته است، در حالی که در رمان این مکالمه‌گرایی درونی مبدل به یکی از اصلی‌ترین جنبه‌های سبک نثر

1. Extopy

می‌شود و پردازش هنری ویژه‌ای می‌یابد. (باختین، ۱۳۸۷: ۳۷۴)

در رمان دو آوا (چندصدا)، صدای راوی در کنار صدای شخصیت‌ها قرار می‌گیرد. در این حالت که صدای دیگری خارج از صدای نویسنده قرار می‌گیرد، نویسنده قصد بازآفرینی و ارائه تفسیری جدید از سخن دیگری را ندارد بلکه **سخن دیگری به موازات سخن نویسنده امکان عمل می‌یابد**. از رهگذر این دیالوگ‌ها است که باختین تحقق دموکراسی را ممکن می‌بیند. صداهای متعدد رقیب موضع‌گیری‌های ایدئولوژیکی متنوعی را به نمایش می‌گذارند و می‌توانند به‌طور مساوی و فارغ از داوری یا محدودیت‌های نویسنده، در گفت‌وگو درگیر شوند (مقدادی، ۱۳۹۳: ۴۵۲). در این رمان‌ها، شخصیت‌ها مقهور دیدگاه نویسنده نمی‌شوند و صدای نویسنده در کنار آوای ایشان یا دوشادوش آن قرار می‌گیرد (سلدن و ویدوسون، ۱۳۸۴: ۵۹).

۵. دیگری در *تنگسیر*

تنگسیر بر محوریت یک شخصیت قهرمان یعنی زائرمحمد روایت می‌شود. هویت زائرمحمد را به گروه‌های مختلف جامعه می‌توان نسبت داد. در مواجهه و دیالوگ این شخص با دیگر جریان‌های جامعه نسبت خود و دیگری در این اثر دگرگون می‌شود. به بیان بهتر خود و دیگری را در این اثر می‌توان به شیوه‌های گوناگون تعریف کرد.

زائرمحمد یک تنگسیری قهرمان است که پیشینه همراهی با رییس‌علی دلواری را در جنگ با نیروهای بریتانیا دارد. در اینجا **خود ایرانی** با **دیگری غیرایرانی** مواجه می‌شود. در طول رمان دیگری غیرایرانی ساکت است و فقط مؤلف است که در باره انگلیسی‌ها موضع‌گیری می‌کند. در مورد دیگری غیرایرانی رمان *تنگسیر* به نوعی **تک‌صداست** و صدای مؤلف غالب است. بریتانیایی متجاوز و منفور است.

اما در مورد مواجهه زائرمحمد با بریتانیایی‌ها نوعی پیچیدگی خاص وجود دارد. انگلیسی‌ها فقط بیگانه جغرافیایی نیستند. همچنین نوع متمایزی از مواجهه با دیگری در آن بروز می‌یابد. یعنی مواجههٔ **مسلمان** با **غیرمسلمان** یا **مسیحی**. انگلیسی‌ها نوعی دیگری دینی هم محسوب می‌شوند. چنان‌که محمد پس از اینکه برای آنها کار می‌کند پولی که حاصل دسترنجش

از کار برای انگلیسی‌ها است را حلال نمی‌داند. بنابراین باید آن را به ملای مسلمان یا حاکم شرع بدهد تا حلالش کند.

در این نوع مواجهه اما نوعی دیالوگ یا گفتمان وجود دارد. چرا که تصور خودی (مسلمان) و دیگری (غیرمسلمان) در روند داستان دگرگون می‌شود. حاکم شرع که خودی بود خائن از آب درمی‌آید و مواجهه با آن خصمانه می‌شود. همچنین در ادامه شخصیت غیرمسلمان دیگری را هم می‌بینیم که وارد داستان می‌شود. یعنی دکان‌دار شراب‌فروش ارمنی که محمد پس از اینکه تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد به او پناه می‌برد. او هم یک دیگری دینی است اما در قامت منجی ظاهر می‌شود. در طول رمان دیالوگ‌هایی را میان محمد و شاگرد مغازه‌دار می‌بینیم که همچنان کشیدن مرزی میان من مسلمان و دیگری مسیحی ضروری است و مغازه‌دار چون ارمنی است احتمالاً محمد را تحویل مأموران حکومت می‌دهد. اما روند داستان خلاف آن را نشان می‌دهد. از آنجا که ایدئال باختین از شنیدن صداهای مختلف در رمان این است که گفتمان غالب شکسته شود و در اثر آن جامعه را به نوعی دموکراسی رهنمون دهد، این مواجهه خود و دیگری مسلمان و مسیحی مواجهه‌ای چندصدا بوده و نظرگاه‌های مختلفی را بازنمایی می‌کند. در مورد دیالوگ میان خود و دیگری دینی، نوع خاصی از چندصدایی را شاهد هستیم که آن «دورگه کردن» یا «دوسویه کردن» سخن است. گفتاری را دورگه می‌نامیم که به‌واسطه مشخصه‌های دستوری و ترکیبی‌اش به گوینده‌ای منفرد تعلق دارد، اما عملاً درون خود مشتمل بر دو گفتار در هم بافته، دو شیوه حرف زدن، دو سبک، دو زبان و دو افق معناشناختی و ارزشی است. زیرا محمد هرچند در ابتدا به مسیحی رویکرد مثبتی ندارد اما در ادامه رویکرد او دگرگون می‌شود. در این سطح، نویسنده سخن دیگری را به کار گرفته و در عین حفظ معنایی که از پیش داشته، معنایی تازه به آن می‌بخشد.

نوع سوم مواجههٔ خود و دیگری در رمان مواجهه **تنگسیرها** با **حکومت** است. محمد نماینده مردم خرده‌پا است. زمانی که تفنگچیان حکومت به دنبال محمد هستند تنگسیری‌ها که از نظر اقتصادی در طبقه پایین جامعه هستند دور و بر کپر محمد را گرفته‌اند و از سلاح مأموران حکومت نمی‌هراسند. در این مورد هرچند چوبک صداهای مختلفی را در فضای داستان حاکم می‌گرداند اما صدای نویسنده غالب است و موضع نویسنده نسبت به نظام سلطه و قدرت کاملاً مشخص است. موضع محمد و تنگسیرها در برابر حکومت است.

اما این مواجهه تنگسیر با دولت را به دو صورت می‌توانیم بررسی کنیم: یکی از این منظر که خود صدای محمد به مثابه دیگری برای حکومت است و اتوریته آن را در هم می‌شکند. این رویکرد تنها در آثار چوبک نیست بلکه در آثار سایر نویسندگان چپ این دوران چون بزرگ علوی و... نیز دیده می‌شود که در پی بازتاباندن نگاه خصمانه مردم به دولت هستند. محمد و سایر تنگسیرها هیچ امیدی به دولت و حکومت مرکزی برای برآورده کردن مطالباتشان ندارند. آنها برای تحقق خواسته‌هایشان خود را تنها می‌بینند. چه زمانی که مورد تهاجم بریتانیایی‌ها قرار می‌گیرند خود آنان هستند که باید دست به سلاح ببرند و دفاع کنند و چه زمانی که افرادی چون شیخ تراب، گنده رجب و عبدالکریم حاج همزه که از جنوبیان شهرنشین غیرتنگسیر هستند و حق آنان را پایمال می‌کنند خود باید درصدد انتقام‌جویی برآیند. زائرمحمد بارها در داستان تکرار می‌کند که در برابر هر آن کس که به حق او و سایر تنگسیرها تجاوز می‌کند می‌ایستد و از مرگ خود نمی‌هراسد. باختین این نوع مرگ را به سخره گرفتن تمامی قواعد موجود در زندگی کنونی ازجمله حقیقت حاکم می‌داند. او به گوش رسانیدن این نوع صداها در ادبیات را علیه مرکزیت مستبدانه قدرت و خدشه‌دار کردن قدرت تام و تمام آن می‌داند.

اما هرچند این صدا در برابر حکومت نمود می‌یابد و مثالی از دیالوگ میان دو جریان موجود در کتاب است اما این چندصدایی برخاسته از جریان‌های موجود در متن‌اند. در **خصوص نسبت مؤلف با این جریان‌ها** کاملاً این اثر تک‌صدا یا مونولوگ است. نویسنده در پیشبرد مقاصد و ارزش‌های خود در موضع‌گیری در برابر حکومت شیوه‌ای تک‌گویانه را اتخاذ می‌کند و اجازه بروز هیچ‌گونه آوا و صدا را به شخصیت‌های دیگر نمی‌دهد.

٦. نتیجه‌گیری

ادبیات، به ویژه داستان و رمان، به سبب سرشت مردمی و مرتبط با موضوعات اجتماعی، یکی از عرصه‌های بروز و ظهور رویکردهای غالب موجود در جامعه است. باختین این ظرفیت شگرف ادبیات را مورد تأمل جدی قرار می‌دهد و در پی آن است که از آن محملی بسازد برای گفت‌وگو میان جریان‌ها. به همین جهت او رمان را چندصدایی‌ترین ژانر ادبی می‌داند و معتقد است گفت‌وگوی میان آواهای مختلف در آن قدرت یک جریان خاص را خدشه‌دار می‌کند و موجب

شنیده شدن صدای دیگری می‌شود. این مقاله سه مواجهه مختلف میان خود و دیگری را مطرح می‌کند و علاوه بر آن تلاش می‌کند نسبت مؤلف با مواضع مختلف که توسط شخصیت‌ها بیان می‌شود را روشن کند. در مورد دیالوگ **خود ایرانی** و **دیگری بریتانیایی** رمان *تنگسیر* تک‌صداست و صدای دیگری بریتانیایی در آن شنیده نمی‌شود. گفت‌وگوی دوم میان **خود مسلمان** و **دیگری مسیحی** است. در این مورد با توجه به شخصیت‌های متعدد و دیالوگ‌های میان آنها، *تنگسیر* اثری چندصداست و مخاطب پس از پایان داستان نسبت میان خود و دیگری دینی را نسبتی صلب و ثابت نمی‌داند بلکه رویکردهای مختلف را در آن مشاهده می‌کند. مواجهه سوم میان **مردم** و **حکومت** است که ذیل آن نسبت میان جنوبی تنگسیر و جنوبی غیرتنگسیر نیز مطرح می‌شود. در این مورد هرچند دوصدا وجود دارد اما مؤلف روایت را کاملاً تحت سیطره موضع‌گیری خود به پیش می‌برد. با توجه به اینکه هیچ اثر ادبی را نمی‌توان تک‌صدای محض یا چندصدای محض دانست، رمان *تنگسیر* هرچند به طرق گوناگون میان خود و دیگری دیالوگ برقرار می‌سازد اما در مجموع بیش از آنکه رمانی چندصدا باشد تک‌صدا است؛ زیرا صدای مؤلف در جهت‌گیری روایت آن غالب است.

منابع

الف. منابع فارسی

احمدی، بابک (۱۳۸۶). *ساختار و تاویل متن*. چ۹. تهران: نشر مرکز.

باختین، میخاییل (۱۳۸۷). *تخیل مکالمه‌ای (گفتارهایی در باره رمان)*. ترجمه رویا پورآذر. تهران: نی.

تودوروف، تزوتان (۱۳۷۷). *منطق گفت‌وگویی میخائیل باختین*. ترجمه دایوش کریمی. تهران: نشر مرکز.

چوبک، صادق (۱۳۹۷). *تنگسیر*. چ۷. تهران: نگاه.

سلدن، رامان؛ ویدوسون، پیتر (۱۳۸۴). *راهنمای نظریه ادبی معاصر*. ترجمه عباس مخبر. تهران: طرح نو.

کریستوا، ژولیا (۱۳۸۱). *کلام، مکالمه و رمان. به سوی پسامدرن؛ پساساختارگرایی در مطالعات ادبی*. تدوین و ترجمه پیام یزدانجو. تهران: نشر مرکز.

مقدادی، بهرام (۱۳۹۳). *فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی (از افلاطون تا عصر حاضر)*. تهران: فکر روز.

ب. منابع غیرفارسی

Clark, Katerina; Holquist Michael (1984). *Mikhail Bakhtin.* Harvard University Press.

Linell, Per (2008). *Essential of Dialogism.* Sweden: Department of Communication Studies Linkoping University.

Romdenh-Romlue, Komarine (2011). *Routledge Philosophy Guidebook to Merleau-Ponty*. London: Routledge.

Renfrew, A. (2014). *Mikhail Bakhtin.* 1st ed. London: Routledge.

Sue,Vice (1997). *Introducing Bakhtin.* Manchester University Press.

Morson, Gary Saul; Emerson, Caryl (1989). *Rethinking Bakhtin: Extensions and Challenges*. Northwestern University Press.